

تبیین شاخص‌های ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه

حسین ربیعی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۲۰

چکیده

ابزارها و روش‌هایی که بازیگران قدرتمند در صحنهٔ تئاتر سیاسی جهان به کار می‌گیرند، گوناگون و دیگرگون است. پویای ژئوپلیتیک به مثابه روشی برای بازشناسی و پیاده‌سازی نفوذ یا کسب هژمونی در جای‌جای جهان و از رهگذار شاخص‌ها، عناصر و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک است. با دگرگونی‌های پدید آمده در خاورمیانه و تغییر رویکردهای رفتاری بازیگران قدرتمند در آن، گفتمان‌های مهمی دربارهٔ قدرت هوشمند و اهمیت فزایندهٔ آن در هماوردهای ژئوپلیتیک پدید آمده است. قدرت هوشمند نوعی کنش هوشمندانه در استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت و در آمیختن عناصر مثبت این دو است. کشور ایران به عنوان یک قطب ژئوپلیتیک تعیین‌کننده در خاورمیانه، جنبه‌های مهمی از قدرت هوشمند دارد که می‌تواند با اتکا بر آن هژمونی خود را در این منطقه حساس استوار سازد. پژوهش پیش رو، با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین شاخص‌های قدرت هوشمند ایران و راهبردهای ژئوپلیتیک متناسب با این شاخص‌ها در تحولات جدید خاورمیانه کدام هستند؟ بررسی نشان می‌دهد که شاخص‌های سخت‌افزاری و ارزش‌ها و انگاره‌های نرم‌افزاری در آمیخته با عناصر ژئوپلیتیک مانند هویت، فرهنگ و دین اثرگذارترین شاخص‌های قدرت هوشمند ایران به شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، قدرت هوشمند، ایران، تحولات خاورمیانه.

قدرت مفهومی است که در علوم طبیعی، کلامی، فلسفی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است، اما در علوم اجتماعی و سیاسی اهمیت ویژه و جایگاهی محوری دارد. از این رو، می‌توان گفت قدرت از مقوله‌های بنیادین در فلسفه سیاسی است؛ با این حال، تعریف مشخصی از آن که مورد توافق همگان باشد، وجود ندارد. تعریف قدرت همواره به عنوان موضوعی مورد مجادله باقی مانده است (راش، ۱۳۷۷: ۴۶). اما قدر مطلق که از تعاریف قدرت می‌توان به دست آورد این است که قدرت به معنای توانایی نفوذ بر دیگران برای تغییر رفتار آنان و رسیدن به مطلوب است. قدرت از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۳). این مفهوم همچنین زیربنای مباحث ژئوپلیتیک است و بازی‌های ژئوپلیتیک در سطوح مختلف با ابزار قدرت به انجام می‌رسد. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت در دوره‌های زمانی مختلف در حال تغییر بوده است. امروزه نظریه‌های مختلف سیاسی بر این باورند که ترکیب هوشمندانه قدرت نرم و سخت و استفاده بجا از آن است که می‌تواند کشوری را صاحب قدرت کند (احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۱).

در عصر کنونی و در پرتو انقلاب ارتباطات، دگرگونی‌هایی در مفهوم قدرت پدیدار شده که طرح قدرت هوشمند بیان‌کننده چنین تحولی است. اما صرف ترکیب منابع قدرت سخت و نرم به شکل‌گیری قدرت هوشمند منجر نمی‌شود. به عبارتی، باید دید هوشمندی در کجای نظریه قدرت هوشمند نهفته است (مطهرنیا، ۱۳۸۹: ۱۰). آنچه در این مقاله مد نظر است، این است که شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، معیارها و روش‌های به‌کارگیری قدرت هوشمند در مباحث ژئوپلیتیک چگونه است و ایران که داعیه قدرت منطقه‌ای دارد، چگونه می‌تواند در پویای ژئوپلیتیک منطقه‌ای به‌ویژه در شرایط جدید از این مفهوم استفاده کند؟ در بستر و عرصه پیدایی این مقوله‌ها، بازنگری و در پیش گرفتن رویکرد جدیدی از مفاهیمی همچون قدرت بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). برای سنجش قدرت در دنیای جهانی شده امروز، لازم است ابزارها و استراتژی‌های توازن قدرت لازم برای یک سیاست موفق را شناخت. بنابراین، هر نوع استراتژی موفق باید مسئله استمرار و تغییر را دربرگیرد (نای، ۲۰۱۰: ۱۵۰-۱۵۱). در چنین شرایطی است که قدرت ماهیتی مؤثر دارد و قابلیت لازم برای مقابله با تهدیدها را پیدا می‌کند.



پژوهش پیش‌رو، می‌کوشد تا مهم‌ترین شاخص‌های ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران را واکاوی و تحلیل و راهبردهای متناسب با این شاخص‌ها را در تحولات نوین خاورمیانه تبیین کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از جنبه هدف و ماهیت جزء تحقیقات کاربردی است و از جنبه روش جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی به شمار می‌رود. این پژوهش بیش از آنکه در پی پاسخ به پرسش یا ارزیابی فرضیه خاصی باشد، در پی تحلیل عوامل و مؤلفه‌های قدرت هوشمند ایران در وضعیت جدید است و می‌خواهد مشعلی را روشن کند که بتوان مسیرهای دیگری را در سیاست خارجی نمایاند. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز داده‌های آماری معتبر گردآوری شده است.

مبانی و مفاهیم نظری

اگرچه قدرت سخت و نرم مفاهیم شناخته شده و قدرت هوشمند نیز مفهومی رو به رشد و شکوفایی است؛ با این حال، ترکیب آن با ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و نیز استفاده از دیدگاه‌های سازه‌نگاری در این پژوهش نیازمند واکاوی نظری بیشتری است که در این بخش به ترتیب به آن پرداخته شده است.

۱. سازه‌نگاری

از سازه‌نگاری به عنوان یکی از روش‌های مطالعه سیاست بین‌الملل نام برده می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل بین‌الملل این روش را محصول زبان‌شناختی ساختاری، نظریه سیاسی پست‌مدرن، نظریه انتقادی، نقد ادبی و مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای دانسته‌اند. مطالعات سازه‌نگاران در حد فاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش‌گرایان یا به‌طور کلی میان پوزیتیویست‌ها و پست‌پوزیتیویست‌ها قرار دارد و می‌کوشد تا این دو مجموعه را به هم وصل کند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). این رویه سازه‌نگاری را قادر ساخته است تا موازینی را از مکاتب و رهیافت‌های مختلف برگیرد و ضمن رد برخی پایه‌های مکاتب، بعضی موازین آنها را بپذیرد. اگر مکتب رئالیسم مادی‌گرا و مکتب ایدئالیسم معناگرا است، سازه‌نگاری



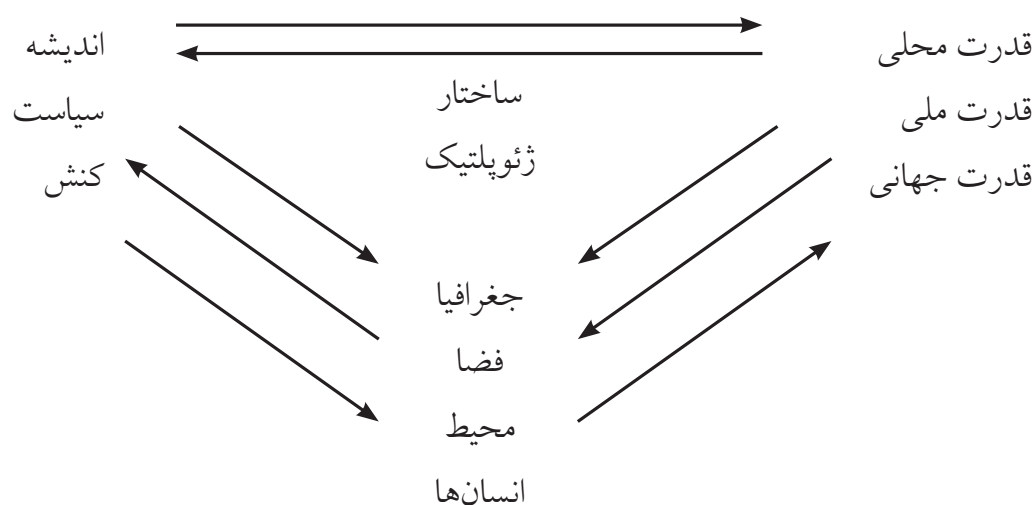
راهی میانه را برگزیده است که تلفیقی از آن دو باشد؛ یعنی، وجوهی از برداشت مادی گرایانه و مواردی از برداشت معناگرایانه در آن حضور داشته باشد. اگر پوزیتیویست‌ها قائل به شناخت‌پذیر بودن پدیده‌ها و مناسبات انسانی و طبیعی هستند و پست‌پوزیتیویست‌ها در قبال آنها صف‌آرایی می‌کنند و از شناسایی ناپذیر بودن حقیقت سخن می‌گویند، سازه‌انگاران باز هم موضعی میانه می‌گیرند و درباره داشتن و نداشتن امکان شناخت حقیقت و پدیده‌ها استدلال می‌کنند. سازه‌انگاران قدرت را صرفاً در عوامل مادی خلاصه نمی‌کنند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارند. سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوی برآیندها شکل می‌دهند، برای سازه‌انگاران مهم است. اینها نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند (مشیرزاده ۱۳۹۰: ۳۳۳). گفته شده است که یکی از وعده‌های سازه‌انگاری به عنوان روش، بازگرداندن فرهنگ و سیاست‌های داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل است. در این روند سعی می‌شود مختصات فرهنگ سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط می‌یابد، بررسی شود. براساس دیدگاه سازه‌انگاری، منافع به هویت‌ها شکل می‌دهند و هویت‌ها به کنش‌ها و در این زمینه رابطه‌ای دوسویه بین کنش‌ها و هویت‌ها وجود دارد که خصلتی سازنده را نیز دربردارد (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). نکته اساسی در رویکرد سازه‌انگاری آن است که نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چهارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد؛ زیرا تعاملات دولت‌ها در طی زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند یا باعث شکل هویت‌ها می‌شوند (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲). در واقع، سازه‌انگاران بر این باورند که جامعه بین‌المللی براساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارند که براساس آنها منافع صورت عینی به خود می‌گیرند. قواعد و هنجارها اساس مناسبات تلقی و بر این مبنا مشخص می‌شود چه بازیگرانی و با پیروی از چه اصولی نتایج مورد نظر عملی و عینی را در عرصه جهانی پدید می‌آورند. به این ترتیب، دیدگاه و روش سازه‌انگاری مبنایی برای این پژوهش در نظر گرفته شد تا از طریق بررسی و واکاوی ابعاد مادی و غیرمادی قدرت ایران در منطقه خاورمیانه و نیز کندوکاو قواعد و هنجارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این منطقه راهبردهایی را برای پیشبرد سیاست مطلوب پیشنهاد کند.

۲. قدرت و ژئوپلیتیک

برای پی بردن به چگونگی‌های ترکیب و کاربست ابعاد مادی و غیرمادی قدرت، فهم ماهیت قدرت و ژئوپلیتیک ضروری است. ادعا بر این است که قدرت از قابلیت‌هایی مانند توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار و در سطح ملی نیز این آثار در شکل گسترده‌ای قابل رؤیت است (مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷: ۸). تیلور و فلینت قدرت را «توانایی کسب پیروزی در یک منازعه چه به صورت کاربرد آشکار زور یا تهدید به زور، چه به صورت نهانی و از طریق نبود تصمیم‌گیری یا مزیت‌های ساختاری تعریف کرده‌اند (تیلور و فلینت، ۲۰۰۰). در بسیاری از مطالعات و تحلیل‌های مربوط به قدرت، عناصر مادی و محسوس قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد، اما جهانی شدن و تحولاتی که فرهنگ در عرصه بازی‌های قدرتی ایجاد کرده موجب شده است تا به تدریج ابزار غیرمادی قدرت که به قدرت نرم مشهور است نیز در بازی‌های ژئوپلیتیک مورد توجه قرار گیرد. مؤلفه‌های مادی قدرت شامل توانایی نظامی، تسلیحاتی و مالی است که معمولاً با کاربرد زور، ارباب و سرکوب استفاده می‌شود. منابع قدرت نرم نیز مطابق تعریف جوزف نای عبارت‌اند از: ارزش‌های فرهنگی بازیگر یا بازیگران؛ فرهنگ؛ دیپلماسی عمومی؛ خط‌مشی‌های سیاستمداران و نهادها؛ سیاست خارجی (نای، ۲۰۰۴: ۹ و ۱۱).

کنش‌های ژئوپلیتیک برخاسته از قدرت واحدهای سیاسی و به دنبال کسب منافع و افزایش قدرت آنها است. قدرت جوهره اصلی در اندام‌واره ژئوپلیتیک جهانی است که هم ابزار و هم هدف است که یکی آن را در هم‌گرایی جست‌وجو می‌کند و دیگری آن را در رقابت نظامی پی می‌جوید. قدرت روح جاری در نظام بین‌المللی است که نه تنها به منزله نیروی متحرک شبیه جریان برق در یک مدار الکتریکی و نه تنها به عنوان ویژگی مشخصه روابط انسانی است، بلکه هسته اصلی تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل و نظامی مشخص است (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۲۷۹-۲۸۰). بنابراین، قدرت در هر سطح و اندازه و از هر سرچشمه‌ای که برآمده باشد، ناگزیر بازیگران عرصه ژئوپلیتیک آن را به کار می‌گیرند و مقیاس‌های مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی از آن متأثر و همواره یکی از ابعاد تفکیک‌ناپذیر بوده است. حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را درهم‌آمیزی مثلی می‌داند که یک بعد مهم آن قدرت است (شکل ۱).





منبع: (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۰۲۲۳)

شکل ۱: ارتباط عناصر مختلف شکل‌دهنده ژئوپلیتیک

این کنش‌ها در سطح منطقه‌ای هم دنبال می‌شود و کشورها رقابت‌ها، همکاری‌ها و سایر رفتارهای ژئوپلیتیک را با استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از ابعاد مختلف قدرت خود دنبال می‌کنند. چنان‌که گفته شد، دانشمندان عوامل مختلفی را برشمرده‌اند که بر قدرت و نقش اجزای نظام جهانی تأثیرگذار هستند. به طور مثال، سوئل کوهن عوامل و تحولات داخلی نظیر ساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری و نیز عوامل خارجی مانند تجارت خارجی، روابط سیاسی و پایگاه‌های نظامی، هم‌پیمانان خارجی و غیره را که به توسعه کنش بین کشورها و دولت‌ها کمک می‌کند، از مهم‌ترین عوامل اثرگذار می‌داند (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). اما همچنان‌که گفته شد، در زمان ما قدرت هوشمند می‌تواند دامنه و وسعت اثرگذاری یک قدرت منطقه‌ای یا جهانی را گسترش دهد یا محدود کند.

۳. گذار به قدرت هوشمند و ژئوپلیتیک

ناکارآمدی قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، نظریه‌پردازان سیاسی را به چاره‌جویی نظری در خصوص اعمال قدرت در فضای پیچیده جهانی شدن واداشته است. حاصل این تلاش فکری تولد پدیده مفهومی به نام قدرت هوشمند بود (کبریائی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰). چنان‌که



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۹۴

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

ناسل^۱ گفته است، قدرت هوشمند معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات است. وی می‌گوید چنانچه توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک در یک جهت هماهنگ شوند، تداوم برتری یک کشور را تضمین می‌کنند (۲۰۰۴). قدرت هوشمند تحولی شهودی در موضوع قدرت است که مخاطبان اصلی آن را دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند (ویلسون^۲، ۲۰۰۸: ۱۱۱). توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست نوین جهانی محسوب می‌شود. این توان ترکیبی در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و سخت به دست می‌آید.

علاوه بر ابزارهای قدرت که دیگرگون شده است، سطوح بازی‌های ژئوپلیتیک نیز متنوع شده است. پیش‌ترها اندیشمندان بیشتر سرگرم واکاوی کنش‌های ژئوپلیتیک جهانی بودند، اما فروپاشی نظام دوقطبی موجب شد پوشش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای نیز کم‌وبیش به کانون توجهات اندیشمندان ژئوپلیتیک بازگردد. در زمان ما، بخش زیادی از پوشش‌های ژئوپلیتیک در سطح کوچک‌تر از جهان و در قالب مناطق انجام می‌شود. هرچند در این سطح نیز قدرت‌های جهانی می‌توانند نقش‌آفرین باشند، اما در قیاس با سطح جهانی، قطعاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های منطقه‌ای نقش زیادی خواهند داشت. قالب‌های پیش‌گفته دوستی و دشمنی و پیامدهای آن در سطح مناطق، ژئوپلیتیک می‌تواند توسط قدرت‌های منطقه‌ای طرح و پیگیری شود. در سطح ملی نیز پوشش‌های ژئوپلیتیک معمولاً رفتار درونی کشورها را نشان می‌دهد. بااین‌حال، بخشی از ژئوپلیتیک منطقه‌ای حاصل «بازی‌های هم‌زمان» ملی و جهانی است.

ژئوپلیتیک منطقه‌ای دربردارنده بازیگران مختلف و رفتارهای پیچیده‌ای است که بازی‌های متعددی به طور هم‌زمان در سطوح مختلف آن انجام می‌گیرد. بیشتر مواقع «بازی» منطقه‌ای به صورت هم‌زمان در هر سه سطح (ملی، منطقه‌ای و جهانی). انجام می‌گیرد، به‌طوری‌که تحلیل یک موضوع در یک سطح امکان‌پذیر نیست و مرزهایی که این سه سطح را از یکدیگر متمایز کنند، نامشخص و وابسته به یکدیگر هستند. رابطه میان این سه سطح کنش نیز بسیار

1. Nossel

2. Wilson



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

نزدیک است و تغییر در یک سطح موجب ایجاد تأثیرات برنامه‌ریزی نشده و پیاپی در سطوح دیگر می‌شود. تغییرات ایجاد شده در اثر خروج قدرت‌های بزرگ، در توزیع قدرت در منطقه، فرصت‌ها و محدودیت‌های تازه‌ای را برای کشورها ایجاد می‌کند (کاپچان^۱، ۱۹۹۸: ۴۰-۷۹) (مثل فروپاشی عراق و ایجاد فرصت برای ایران به عنوان قدرت مسلط و ناتوانی عراق در عملکرد به عنوان یک وزنه تعادلی).

به عنوان جمع‌بندی مباحث نظری، باید گفت قدرت و ژئوپلیتیک رابطه تنگاتنگی با هم دارند. هر واحد سیاسی به تناسب برخورداری از سطح قدرت مربوط به خود، پویاها و کنش‌های ژئوپلیتیک را در سطح بین‌الملل پیگیری می‌کند. عناصر قدرت مختلفی وجود دارد که می‌تواند وزن ژئوپلیتیک کشورها را تشکیل دهد و پایه‌ای برای کنش‌های کشور در سطح خارجی باشد. بر پایه دیدگاه و روش سازه‌نگاری می‌توان گفت کشورها ظرفیت‌های مادی و معنوی جغرافیایی و غیر جغرافیایی مختلفی دارند که می‌توانند با ترکیب هوشمندانه آن کارآمدی قدرت خود را چند برابر کنند و در مناسبات ژئوپلیتیک خود در سطح منطقه و فرامنطقه به کار گیرند. در این پژوهش، ظرفیت‌های قدرت هوشمند ایران برای بهره‌گیری در تحولات جدید خاورمیانه تحلیل شده است.

یافته‌ها؛ عناصر ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران

۱. عناصر و مؤلفه‌های قدرت سخت ایران

۱-۱- مؤلفه‌های سرزمینی و موقعیتی

موقعیت ممتاز ایران در نقشه جغرافیای سیاسی جهان از دیرباز در کانون توجهات اندیشمندان و ژئوپولیتیسین‌ها بوده است. در نظریه‌های مکیندر، ماهان، اسپایکمن و غیره همواره ایران جایگاه برجسته‌ای داشته و در عصر جدید که انرژی یکی از مهم‌ترین ابزار قدرت است نیز جایگاه ایران در کانون منابع انرژی جهان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ایران در جایی واقع شده است که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم وصل می‌کند یا دست‌کم به همه آنها نزدیک است. فولر جهانی‌اندیش امریکایی بر این است که ایران به علت وضعیت خاص جغرافیایی مرکز جهان است (۱۳۷۱: ۵۲). علاوه بر آن، ایران در مرکز ثقل بیضی استراتژیک

انرژی خلیج فارس - خزر قرار دارد (کمپ و هارکاو^۱، ۲۰۰۴: ۱۷۸) و دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده ذخایر نفت جهان است که جدای از آنکه موهبتی ذاتی برای ایران است، ظرفیتی است که به راحتی می تواند مورد استفاده سیاست گذاران قدرت هوشمند قرار گیرد. همچنین، برخی نظریه پردازان توسعه اقتصادی، رشد جمعیت را به عنوان شاخصی از توانمندی سرزمینی یا جغرافیایی، موتور توسعه نامیده اند. ایران از جمله کشورهایی است که در دو دهه گذشته رشد جمعیت بالایی داشته است. در حال حاضر، ایران از نظر سهم جمعیت جوان در اوج قرار دارد و بدون اغراق از نظر نسبت جمعیت در سنین جوانی، شاید رتبه نخست را دارد. جمعیت ۱۵ تا ۲۴ سال در اواخر دهه ۱۳۸۰ به بیش از ۲۵ درصد رسید. قرار گرفتن حدود ۷۰ درصد جمعیت در گروه سنی ۲۴ تا ۶۵ سال، نشان دهنده پتانسیل بالای کشور از نظر نیروی فعال است (فصلنامه سیاست کلان، ۱۳۹۳: ۱۱۹). رشد جمعیت در ایران می تواند در صورت استفاده بهینه عاملی برای آبادی کشور باشد. به زیر کشت بردن زمین ها، گسترش مراتع و جنگل ها، مهار آب ها، پس راندن کویرها، بهره برداری از منابع معدنی، ایجاد صنایع سنگین و کلیدی، گسترش آموزش علوم و فنون و در نهایت توسعه اقتصادی می تواند ظرفیت بسیار مناسبی در قالب قدرت هوشمند برای ایران باشد.

۲-۱- مؤلفه های اقتصادی و ژئواکونومیک

ایران به دلیل موقعیت ژئواکونومیک خود از مزیت های اقتصادی خاصی در سطح منطقه و جهان برخوردار است. این مهم وقتی اهمیت دو چندان می یابد که زیرساخت های ارتباطی قدرتمند ایران در حوزه راه ها، راه آهن و به ویژه راه آهن شمال به جنوب که می تواند کشورهای آسیای مرکزی را به خلیج فارس و شرق را به غرب متصل و ظرفیت ارتباطی پراهمیتی برای همسایگان غربی و شرقی ایجاد کند، به آن افزوده شود (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۹۴) از جنبه اقتصادی ایران از جهت تولید ناخالص داخلی در منطقه رتبه نخست را دارد. براساس برآورد صندوق بین المللی پول، کل تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۴ به ۴۰۶ میلیارد دلار رسیده است که بر این اساس بین ۳۰ کشور خاورمیانه، شمال افریقا و آسیای مرکزی به عنوان دومین اقتصاد بزرگ شناخته شده است. براساس این گزارش، کل تولید ناخالص داخلی منطقه در

1. Kemp & Harkavy

سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۳۴۵۹ میلیارد دلار بوده که ۲۵۷۹ میلیارد دلار از این رقم به تولید ناخالص داخلی کشورهای نفتی منطقه مربوط بوده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳). با وجود این، مؤسسه امریکایی گلد من ساچس معتقد است: «ایران از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برخوردار است و در صورتی که بتواند آنها را به فعلیت درآورد، تا سال ۲۰۵۰، بزرگ‌ترین اقتصاد در بین کشورهای در حال توسعه خواهد بود» (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۵).

از نظر میزان ذخایر انرژی، ایران تا سال ۲۰۰۱ در رده چهارم جهان بود، اما پس از آن به رده‌های نهم و دهم نیز رسیده است (کوریتس و هوگلند، ۲۰۱۰). ۵۳/۱۵۶ میلیارد بشکه مجموع ذخایر قابل استحصال نفت خام و میعانات گازی کشور در پایان سال ۱۳۹۱ بوده است. ایران با این میزان ذخیره نفت خام و میعانات گازی متعارف پس از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه چهارم جهان قرار گرفته است و بالغ بر ۹ درصد ذخایر نفت جهان را دارد. همچنین، ایران با دارا بودن ۱۳ درصد از ذخایر نفت اوپک در میان کشورهای عضو پس از ونزوئلا و عربستان در رتبه سوم قرار دارد. در سال ۱۳۹۱، از کل تولید مایعات و میعانات گازی به میزان ۲/۱۹۶ میلیون بشکه حدود ۴۵ درصد صادر شده است (ترازنامه انرژی، ۱۳۹۲: ۱۳).

جدول ۱: حجم صادرات گاز، نفت و برق ایران

سال	صادرات گاز (میلیارد متر مکعب)	صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی (میلیون بشکه)	صادرات برق (میلیون کیلووات ساعت)
۱۳۸۹	۸۴۹۱	۱۰۳۲	۶۷۰۷
۱۳۹۰	۹۴۷۶	۱۰۳۰	۸۶۶۸
۱۳۹۱	۹۳۱۱	۵۸۶	۱۱۰۲۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴

کشاورزی ایران که بیش از یک پنجم تولید ناخالص ملی کشور را تأمین می‌کند، در مناطق

مختلف مشخصات مختلفی دارد. سطح زیر کشت گندم در ایران حدود ۲/۶ میلیون هکتار است که از این سطح حدود ۲ میلیون هکتار آبی و حدود ۲/۴ میلیون هکتار دیم است. نتایج یک تحقیق نشان داده است که از مجموع ۳۰۷ کالای صادراتی دارای مزیت نسبی ایران، ۶۳ مورد جزء محصولات کشاورزی بوده است. (یک پنجم محصولات صادراتی دارای مزیت نسبی ایران را محصولات کشاورزی تشکیل می دهند). محصولات کشاورزی بالاترین پتانسیل صادراتی ایران به ۹ کشور لهستان، سوئد، اسپانیا، بلژیک، هلند، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آلمان تعلق داشته است. آلمان با ۴۰ محصول کشاورزی دارای پتانسیل وارداتی از ایران در میان اعضای اتحادیه اروپا رتبه نخست را دارد (اخوی و حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

۳-۱- مؤلفه های نظامی و ژئواستراتژیک

ایران پیش از انقلاب اسلامی از بزرگ ترین نیروهای نظامی در خاورمیانه بود و نیروهای نظامی و قدرت هسته ای آن با امریکا رقابت می کرد (مرکز تحقیقات، ۱۳۸۹: ۸۹). اگرچه ایران بخشی از مزیت های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سابق را دارد، ولی بخش عمومی این مزیت ها را به دلیل تحریم های سنگین و یک جانبه امریکا تا اندازه ای از دست داده است. ایران از نظر دسترسی به دریا وضعیت مطلوبی دارد. همچنین، داشتن خطوط راه آهن پیوسته به سمت نقطه استراتژیک و ورودی خلیج فارس (بندرعباس) باعث افزایش اهمیت جایگاه ژئواستراتژیک ایران شده است.

از جنبه ژئواستراتژیک، فاصله و عمق خاک ایران احساس آرامشی می دهد که دیگر قدرت های بزرگ مانند آلمان از آن برخوردار نیستند. ایران برای مقابله با نفوذ امریکا در آسیای مرکزی و اوراسیا، استراتژی های مختلفی از جمله تعقیب استراتژی به سمت اروپا که آن را اصطکاک سیاسی می گویند در پیش گرفته و درصدد تضعیف ارتباط امریکا با روسیه و افزایش فشار اروپا به ایالات متحده و روسیه است. در جبهه شرقی نیز تکیه بیشتری بر دیپلماسی و تبلیغات دارد تا فشار نظامی (رودیر^۱، ۲۰۱۲). بودجه نظامی ایران در سال ۲۰۰۷ به ۱۳ میلیارد دلار رسید که این میزان نسبت به سال ۲۰۰۱ چهار برابر شده است. بر همین اساس، دست اندرکاران نظامی ایران نیز اظهار داشته اند در ده سال آینده باید ۷۰ درصد از

تجهیزات نظامی مدرن شده باشند. (لین^۱، ۲۰۱۰)

جدول ۲: توان نظامی و دفاعی ایران در سال ۲۰۱۱

نیروی انسانی		نیروی زمینی		نیروی هوایی		نیروی دریایی		لجستیک	
کل	جمعیت (۲۰۱۲)	مجموع تجهیزات زمینی	۱۲۳۹۳	تعداد هواپیما	۱۰۳۰	مجموع کشتی های نیروی دریایی	۲۶۱	نیروی کار	۲۵۷۰۰۰۰
نیروی انسانی در دسترس	۴۶۲۴۷۵۵۶	نفربر	۱۵۶۰	هلیکوپتر	۳۵۷	ناوگان بازرگانی	۷۴	پوشش جاده (کیلومتر)	۱۷۲۹۲۷
آماده به خدمت	۳۹۵۵۶۴۹۷	خمپاره	۵۰۰۰	موشک انداز	۱۲	تسلیمات ضد تانک	۳	پوشش راه آهن (کیلومتر)	۸۴۴۲
نیروی نظامی رزرو	۶۵۰۰۰۰	تانک	۱۷۹۳	قرارگاه عملیاتی	۳۱۹	زیردریایی	۱۹	تانک	۱۴۰۰۰

منبع: پایگاه اطلاعاتی میلپاری فارسی^۲

به این ترتیب، می توان مؤلفه های قدرت سخت ایران را در زمینه های جغرافیایی، اقتصادی و نظامی برشمرد که اعداد و ارقام و آمارهای رسمی و غیر رسمی آشکارا نشان می دهد ایران با داشتن این مؤلفه ها، به عنوان یک کشور مدعی و اثرگذار در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه و خلیج فارس این توان را دارد که از آنها در راستای پویش های ژئوپلیتیک خود استفاده کند. ایران ظرفیت مناسب قدرت سخت را دارد و می تواند در جهت افزایش وزن ژئوپلیتیک خود و بهره برداری بهتر از قدرت نرم استفاده کند.

1. Leyne

2. <http://www.militaryparsa.ir/Military-power/Asian-countries/1184-iran.html>



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۱۰۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

۱-۲- فرهنگ اسلامی - انقلابی

آنتونی گیدنز معتقد است: «در گذشته مارکس، وبر و دورکیم فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون می‌دیدند. ولی در آغاز دهه ۱۹۸۰ و با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد معکوس شدن این فرایند هستیم؛ یعنی، فرایند عمومی جهان به سمت دین‌داری پیش می‌رود» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵). رخداد انقلاب اسلامی ایران، یکی از رویدادهای بزرگ در نیمه دوم سده بیستم میلادی بود که سبب پی افکنده شدن دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های فراوانی در کشورهای منطقه و ساختار جهانی قدرت شد (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۴). امپریالیسم که آشکارا به استعمار کشورهای جهان و نابودی منابع روزمینی و زیرزمینی آنان دست می‌زد، کمونیسم نیز برای پیشی گرفتن از هم‌اورد خود، تا آنجا که می‌توانست دهان استعماری خود را تیزتر و گشوده‌تر ساخت (والبرگ^۱، ۲۰۱۱: ۱۹). انقلاب اسلامی ایران، راه سوم و قطب سوم برای همه کسانی بود که در پی رهایی و آزادی از چنگال اژدهای دو سر امپریالیسم - کمونیسم می‌گشتند. بر همین رو، انقلاب اسلامی توانست با بازساخت یک گفتمان ژئوپلیتیک متفاوت در میان رقابت دوقطبی جهان، گفتمان عمل‌گرایی ضد استعماری و رویه معناگرایی را در قطبیدگی کاپیتالیسم - ماتریالیسم جای دهد (کورزمن^۲، ۲۰۰۴: ۲۳). انقلاب اسلامی ایران نیروی ژئوپلیتیک عملاً متفاوتی با گفتمان‌های خاص خود بود. نخستین وجه تمایز گفتمان ژئوپلیتیک انقلاب اسلامی اصالت معنایی آن بود. ادبیات انقلاب اسلامی ایران در زمان خود بی‌مانند بود؛ زیرا در گفتمان قطب شرق، مناسبات تولید و ماتریالیسم به عنوان مبنا شناخته می‌شد و گفتمان ژئوپلیتیک غرب نیز بر مدار سرمایه‌سالاری و ثروت هنگفت می‌چرخید. در چنین شرایطی، معنویت محوری فرهنگ ایرانی در کنار ویژگی‌های سیاسی آن اهمیت دو چندان و نقش مهم‌تری در ایجاد قدرت هوشمند می‌یابد. مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه دموکراسی دینی است که مؤلفه‌هایی دارد که نه تنها در داخل بسیاری از مشکلات کشور را حل کرده است، بلکه در خارج از کشور نیز توانسته بر ذهن و افکار دیگران تأثیر بگذارد و به‌ویژه در خاورمیانه، مد نظر نخبگان و عموم مردم قرار گرفته است. مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران ارائه الگو و مدلی برای حل مشکلاتی مانند استبداد داخلی، وابستگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

1. Walberg

2. Kurzman



و توسعه‌نیافتگی است که با تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست و حکومت را ارائه کند که به‌عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه مورد توجه قرار گیرد (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که جمهوری اسلامی تاکنون با اتکا به آن توانسته در مقابل بحران‌ها به شکلی شایسته تاب آورد، حاکم بودن فرهنگ اسلامی است. فرهنگی که باعث شکل‌گیری روحیه مقاومت شده و هر فشار و توطئه‌ای به‌جای تحلیل بردن و ضعیف ساختن ملت، آنها را مقاوم‌تر کرده است. راز ایستادگی مردم بر سر موضوعی همچون انرژی هسته‌ای و تحمل بالای مردم در بحث تحریم‌ها با وجود جنگ روانی بی‌امان دشمن، در این ظرفیت ریشه دارد (کبریائی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳). توده‌های مردم ایران به طرق مختلف قدرت خود را در صحنه مبارزه با دشمن متجلی ساخته‌اند. حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، مشارکت در عرصه انتخابات، حضور داوطلبانه و سیل آسا در نبرد حق علیه باطل، بسیج نیروهای عظیم مردمی در حوادث و اتفاقات در سوانح طبیعی و مراقبت از توطئه‌های هوشمند دشمن در ایجاد تفرقه و نفوذ در بدنه اجتماع برای ضربه زدن به نظام حاکم از مواردی است که ملت با حضور به‌موقع در صحنه قدرت خود را به منصف ظهور رسانده است (محمدی، ۱۳۸۹ - الف: ۱۰۹). علاوه بر این، تأکید بر اجرای عدالت و مقابله با فقر و فساد و تبعیض یکی از اهداف جمهوری اسلامی است که با اهداف و وظایف نظام‌های سیاسی موجود در قرن بیستم در تمایز است و از این نظر در مقابل لیبرالیست‌ها، مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها قرار دارد. علاوه بر ایجاد عدالت به عنوان یکی از وظایف مهم جمهوری اسلامی، یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی، شهادت‌طلبی به عنوان ابزاری در برابر ظلم مستبدان و متجاوزان خارجی است که با الگوگیری از نهضت تاریخی امام حسین (ع) و قیام کربلا در فرهنگ شیعه جریان دارد. قیام ۱۵ خرداد و راهپیمایی‌های میلیونی مردم ایران در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ که به فرار شاه از ایران منجر شد، از نمونه‌های بارز این موضوع است (هرسیج، همان، ۱۵۲).

۲-۲- فرهنگ ایرانی

از زمانی که تاریخ به خاطر می‌آورد، ایرانیان مردمانی متمدن با ویژگی‌های خاص بوده‌اند که در تهاجمات گوناگون نظامی و فرهنگی تا حد زیادی هویت خود را حفظ کرده‌اند. از آنجاکه



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۰۲

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

ژرفای هر فرهنگی تا حد زیادی به پیشینه آن فرهنگ مربوط است، فرهنگ ایرانی با درازایی هزاران ساله و در مواجهه با تنگنای گوناگون اعتبار و استحکام یافته و در کنار فرهنگ های دیگر ویژگی های خود را بروز داده است. ایران بین قطب های مهم جمعیتی جهان قرار گرفته و حد فاصلی میان چین و هند در شرق و یونان و مصر و بین النهرین در غرب است. این منطقه استقرار جغرافیایی ممتاز ایران برای ارتباطات مدنی بسیار غنیمت است (شعبانی، ۱۳۸۸: ۱۵). آنچه باعث ضمانت هرچه بیشتر این پیوستگی به رغم تحولات گوناگون داخلی و بین المللی در طی سه هزار سال شده، اعتقادات دینی و یکتاپرستی ایرانیان بوده است (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵).

در این راستا، تداوم زبان ایرانی در بستر زمان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، به گونه ای که زبان اوستایی، پارسی باستان، پهلوی و فارسی همه متعلق به خانواده زبان ایرانی است که در زمان حال با تلفیق شدن با واژگان یونانی، مغولی، عربی، هندی، ترکی، فرانسوی، انگلیسی و روسی در زبان فارسی که میراث دار زبان های پیش از اسلام است، بر غنای این زبان افزوده است (صفا، ۱۳۷۵: ۱۱۶). افزون بر این، ایران در منطقه ای از جهان که محل تلاقی راه اروپا جنوب شرق آسیا (محل بیش از زندگی یک سوم زندگی جهان) و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است، قرار گرفته که موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک را نصیب این کشور ساخته است (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶).

یکی از مهم ترین ویژگی های فرهنگ ایرانی مقاومت است. از سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در شرایطی که جمهوری اسلامی از یک سو در معرض حمله نظامی عراق و از سوی دیگر مورد تحریم ها و کارشکنی های قدرت های جهانی قرار گرفت، نمود بیشتری یافت. در زمان کنونی، جامعه ایرانی توانایی و اشتیاق بیشتری به پذیرش خطرهای ناشی از رویارویی و مقاومت در برابر تهدیدهای بیرونی دارد. تأثیرگذاری فرهنگ شیعی اندیشه و روح ایرانی را برای پذیرش رنج و مصیبت آرمانی برای تحقق ساختار عادلانه آماده کرده است. اگرچه این روند در دوران های مختلف انقلاب اسلامی با ادبیات و جهت گیری متفاوتی ارائه شده است، اما چنین نشانه هایی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی که ماهیت ایدئولوژیک دارد، در فرایند جنگ تحمیلی کارکرد بیشتری یافته است (هالم^۱، ۱۹۹۷: ۶۱).

تجزیه و تحلیل

۱. ویژگی‌های قدرت هوشمند ایران

ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی از مهم‌ترین معیارها و بنیان‌های معنوی قدرت هوشمند ایران محسوب می‌شود، اما بی‌گمان این همه داشته‌های ایران نیست. چنان‌که بحث شد، ایران از جنبه ویژگی‌های سخت‌افزاری قدرت سیاسی، وضعیت بسیار مستعدی دارد. دست‌کم در میان کشورهای خاورمیانه، ایران از نظر مقام علمی جزء نخستین‌ها است و این به معنای آن است که ایران می‌تواند هم از جنبه نرم‌افزاری دانش و فناوری لازم برای پیشرفت کشورهای این منطقه را فراهم کند و هم از جنبه نیروی انسانی، نیروی کار آموزش‌دیده و ماهر را به آنها ارائه و این کشورها را از کشورهای فرامنطقه‌ای بی‌نیاز کند. ذخایر فراوان نفت و گاز این کشور تأمین‌کننده همه نیاز کشورهای این منطقه است. اگر کشورهای پیرامونی ایران حسن نیت ایران را بپذیرند و باور کنند، ایران از جنبه نظامی و دفاعی به‌خوبی می‌تواند امنیت و ثبات منطقه‌ای را تضمین کند. درعین‌حال، در زمانی که فرایند جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی بسیاری از ارزش‌های هویتی کشورهای جهان سوم به‌ویژه کشورهای اسلامی را نشانه رفته است، ایران می‌تواند الگوی بسیار مناسبی از درهم‌آمیختگی ارزش‌های ملی، اسلامی و ارزش‌ها و دستاوردهای مدرن بشری باشد. در ایران کنونی، همان اندازه که ارزش‌های دینی پاس داشته می‌شود، ارزش‌های بومی و ملی مورد احترام است و درعین‌حال ارزش‌های سیاسی - اجتماعی به‌اصطلاح غربی همچون دموکراسی و جمهوریت عملیاتی شده است و این دستاورد کمی نیست. بنابراین، ادعای گزاف و بی‌پایه‌ای نیست اگر عنوان شود که زیربنای قدرت هوشمند (قدرت سخت و نرم) ایران در میان کشورهای منطقه از هر جهت کامل و بی‌نظیر است. به نظر می‌رسد توان ایران برای ایجاد یک قدرت هوشمند اثرگذار در منطقه بسیار بالا است و چنانچه هوشمندی و زیرکی با این توان همراه شود، می‌تواند به صورت تصاعدی اثرگذاری ایران را افزایش دهد.

۲. عناصر ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران و تحولات خاورمیانه

تحولات منطقه خاورمیانه هم از بعد منافع و هم از بعد ارزش‌ها برای ایران اهمیت دارد. از لحاظ منافع معادلات مربوط به توازن قدرت و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت دراسات العالم الاسلامی

۱۰۴

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

تحولات اهمیت دارد و از لحاظ ارزش‌ها هم این تحولات به لحاظ پیروی از شعارهای انقلاب اسلامی که عمدتاً بر محور حمایت از جنبش‌های مردمی، مبارزه با نقش بیگانگان در منطقه و تحقق وحدت اسلامی بود، با اهمیت است (مسعودنیا و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). با توجه به فرهنگی بودن انقلاب ایران، می‌توان مدعی شد که انقلاب اسلامی در میان کشورهای اسلامی مولود قدرت نرم و سخت و مبتنی بر قدرت هوشمند است. واضح است که این رویکرد در سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انعکاس خواهد یافت و تعیین‌کننده سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در سطوح خرد و کلان خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

الف) سطح خرد

هرچند بیداری اسلامی به شکل باور نزد بسیاری از متفکران کشورهای اسلامی از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی وجود داشت، اما نهاده شدن بیداری اسلامی به شکل‌گیری تمام ارکان حکومت‌داری بر مبنای شریعت فقط در ایران ایجاد شد. این امر علاوه بر چالش در عمل سیاسی، تأثیرات خاصی بر نظریه‌های سیاسی از نظریات انقلاب تا فلسفه سیاسی دربرداشت. به‌طوری‌که بعد از انقلاب اسلامی ایران، لیبرال دموکراسی با چالش جدی در کشورهای اسلامی مواجه شد. دموکراسی دینی انقلاب اسلامی که ابتدا از بطن جامعه توده‌ای برخاست، در آن مستقر نشد و به‌تدریج راه را برای تحقق جامعه مدنی هموار ساخت. اما استقرار جامعه مدنی برعکس دموکراسی‌های غربی موجب نشد جامعه توده‌ای اهمیت خود را از دست دهد؛ زیرا بحران‌های انقلاب اسلامی استفاده از جامعه توده‌ای را در دوره بحران ناگزیر ساخته است (دهشیری، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵).

ب) سطح کلان

از آنجاکه اسلام پیامی جهانی و فرازمانی دارد، انقلاب اسلامی ایران نیز که بر مبنای شریعت اسلام بنا شده است، نمی‌تواند خالی از این ویژگی در نظر گرفته شود. از این‌رو، انقلاب اسلامی از یک سو نگاه و بینش جهانی دارد و همه جهان را مخاطب قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ارزش‌ها و آرمان‌هایش منطبق بر فطرت آدمی است. این انقلاب همانند نهضت انبیا مختص همه انسان‌ها و همه جوامع است. این ویژگی سبب شد رسالت‌های جهانی نیز برای

انقلاب اسلامی تبیین و مترتب شود که از جمله آنها می‌توان به تغییر در معادلات سیاسی جهان، صدور انقلاب اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، مبارزه با صهیونیسم و... اشاره کرد.

از آنجا که تحولات اجتماعی در محیط هم‌جوار با تأخیر شکل می‌گیرد، برخی نظریه‌پردازان موضوع انقلاب‌های اجتماعی خاورمیانه را براساس هنجارهای انقلاب اسلامی ایران تحلیل می‌کنند. ادراک تحولات سیاسی خاورمیانه بدون توجه به قالب‌های هنجاری شهروندان کشورهای تونس، مصر، لیبی، عربستان، بحرین و یمن امکان‌پذیر نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران توانست گام جدیدی در ارتباط با گسترش موج انقلاب‌های اجتماعی در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورد (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۰۲). این امر آثار خود را در حوزه‌های مختلف جغرافیایی به جای گذاشت. شکل‌گیری انقلاب‌های اجتماعی بدون توجه به قالب‌های هنجاری حاصل نخواهد شد. از سوی دیگر، هنجارها می‌تواند ایجادکننده یا برهم‌زننده نهادها و ساخت‌ها باشد. چنین فرایندی از ژانویه ۲۰۱۱ در جهان عرب شکل گرفته است. آنچه در بهار ۲۰۱۱ با عنوان جنبش اجتماعی خاورمیانه شکل گرفت را نمی‌توان بی‌ارتباط با رهیافت‌ها و قالب‌های گفتمانی دانست که بنیان‌های مفهومی آن به قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در حوزه خاورمیانه مربوط است.

انقلاب اسلامی با تأثیرگذاری بر قاعده‌مندی‌ها و جریان‌های بین‌المللی، تأکید بر عدالت‌گرایی و نفی تبعیض، عادلانه ساختن فضای جهانی و نیز افشای ماهیت سلطه‌طلبانه، غیر انسانی و غیر اخلاقی گفتمان غالب بر روابط بین‌الملل بر ضرورت عرضه کالاهای عظیم فرهنگی و پیام‌های درخور توجه در تمدن اسلامی تأکید ورزیده است و از این طریق توانسته یکی از پدیده‌های مهم و بحث‌برانگیز قرن بیستم یعنی نهضت‌ها و جنبش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی اسلامی را متأثر سازد. پیدایش این جنبش‌ها، به نیمه نخست و گسترش آنها به نیمه دوم این قرن مربوط می‌شود. انقلاب‌های خاورمیانه نیز از دیدگاه جریان‌شناسی در ادامه خیزش‌های اسلامی محسوب می‌شوند، تا جایی که می‌توان از مؤلفه‌های مشترک میان این جنبش‌ها و انقلاب اسلامی سخن گفت. این وجوه مشترک تأثیر متقابل انقلاب اسلامی معاصر را فراهم آورد (کبریائی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸) و عبارت‌اند از:

الف) عقیده مشترک: انقلاب اسلامی ایران اگرچه یک انقلاب شیعی است، ولی همانند



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۰۶

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

هر جنبش اسلامی دیگری به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم (ص) معتقد است. کعبه را قبله آمال و آروزهای معنوی خود می‌داند. قرآن را کلام خداوند و منجی بشر گمراه تلقی می‌کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن و به صلح و برادری و برابری ایمان دارد (جندی، ۱۳۷۱: ۲۵۷-۲۶۰). البته ویژگی کاریزمایی امام خمینی (ره) و مواضع ضد استعماری وی که بیشتر مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند، بر تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی افزوده است (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

ب) دشمن مشترک: از آنجاکه مبانی اعتقادی مشترکی بین انقلاب‌های خاورمیانه و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، تعریفی که از دوست و دشمن نیز می‌شود متأثر از همین مبانی اعتقادی مشترک است. انقلاب اسلامی ایران با هدف متحول‌سازی نظام بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار، اذهان و فراهم ساختن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی، توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود نظام سلطه را در معرض تهدید قرار دهد و پیام سیاسی اندیشه استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و راهبرد «نه شرقی نه غربی» را برای جهانیان آشکار سازد. انقلاب اسلامی ایران توانست با اتکای به قدرت نرم‌افزاری خود و بازتعریف به نسبت نوینی از معنویت و سیاست، الگوی روش زندگی و الگوی جدید اجتماعی جانشین را نمایان سازد (کبریائی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸).

ج) هدف مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت خداوند و با اعتماد به اراده مردم است. از این رو، حرکت‌های نوین مردمی در منطقه خاورمیانه براساس الهام‌گیری از آرمان‌های انقلاب اسلامی از قبیل استبدادزدایی، عدالت‌خواهی، معنویت‌طلبی، اسلام‌خواهی، عزت‌جویی، کرامت‌طلبی، حقارت‌زدایی، استقلال‌طلبی، استکبارزدایی و صهیونیسم‌ستیزی توانسته است موج جدیدی را در منطقه ایجاد کند (دهشیری، ۱۳۹۰: ۴۰-۵۰). یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران حذف صهیونیسم از جهان بود و برخی اندیشمندان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیداری اسلامی را روحیه ضد صهیونیستی و بیزاری از سیاست‌های جاه‌طلبانه امریکایی صهیونیستی می‌دانند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۲).

د) دموکراسی دینی: دموکراسی دینی ملهم از انقلاب اسلامی این باور را به مردم

خاورمیانه داده است که می‌توان به دموکراسی به یاری اسلام محتوای غنی‌تری بخشید. حمایت مردم منطقه از این نظام جدید حکومت‌داری را می‌توان در شعارهای اسلام‌خواهانه و دموکراسی‌گرایی آنها دید. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومت‌داری و احیای نقش دین به عنوان عنصری تأثیرگذار بر تحولات جهانی توانست به زنده کردن هویت اسلامی براساس پیوند دین و سیاست مبادرت کند. احیای هویت تمدن اسلامی و نقش‌آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه هنجارسازی و گفتمان‌سازی حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی توانسته است نقش دین را در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و بین‌المللی شکوفا کند.

همواره بین شاخص‌های مفهومی قدرت و کارکرد منطقه‌ای آن رابطه مستقیم وجود دارد. هویت‌گرایی اسلامی واقعیت جدید سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. این امر انعکاس انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه تلقی می‌شود و پیامدهای قابل توجهی در ارتباط با ثبات، موازنه و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه به وجود می‌آورد. امریکا و رژیم صهیونیستی در سال‌های پس از جنگ سرد تلاش کردند تا موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند. این امر به واکنش شدید شهروندان خاورمیانه منجر شد (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۸). با این وصف از دید ژئوپلیتیک، تأثیرگذاری ایران در راستای تحولات خاورمیانه در قالب قدرت هوشمند با دو شاخصه شناخته می‌شود: «شاخصه نخست را می‌توان در روند مقابله‌گرایی گروه‌های اسلامی خاورمیانه علیه سلطه امریکا و رژیم صهیونیستی مشاهده کرد. زمانی که رهبران سیاسی کشورهای منطقه با قدرت‌های بزرگ همکاری کردند، زمینه برای گسترش اعتراض‌های سیاسی و شیوع بحران به ساختار داخلی کشورهای محافظه‌کار خاورمیانه به وجود آمد. بازتاب این فرایند را می‌توان در ارتباط با کشورهای تونس، مصر، یمن، بحرین، اردن و مراکش مورد توجه قرار داد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران بر این موضوع تأکید داشت که هر گونه همکاری کشورهای منطقه با قدرت‌های بزرگ زیرساخت‌های لازم برای گسترش بحران منطقه‌ای را فراهم می‌سازد (هوقز، ۲۰۱۰: ۴). شاخصه دوم را می‌توان در روند مقابله‌گرایی اعتراض‌های اجتماعی مردم تونس در دسامبر ۲۰۱۰ مشاهده کرد. اعتراض‌ها در زمان محدودی به تغییر حکومت زین‌العابدین بن علی منجر شد. مشابه چنین فرایندی در مصر شکل گرفت. انتخابات مصر نمایش مداخله دولت در چگونگی مشارکت سیاسی جامعه بود.



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۰۸

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

نتیجه‌گیری

ناکارآمدی قدرت نرم و قدرت سخت به طرح نوین قدرت یعنی قدرت هوشمند منجر شده است. قدرت هوشمند ترکیبی ماهرانه از قدرت نرم و سخت است که به هم‌افزایی آنها منجر می‌شود. قدرت هوشمند به دنبال استفاده از همه بنیان‌های قدرت همراه با فناوری‌های نوین نظیر رسانه‌ها، سایبر و فضای دیجیتال جنگ روانی، فرصت‌آفرینی، استفاده بهینه و به‌هنگام از پتانسیل‌های موجود برای کاهش هرچه بیشتر هزینه‌ها و دستیابی هرچه سریع‌تر به هدف است. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند سایر کشورها به دنبال قدرت هوشمند است و به منظور ایفای نقش و استفاده از فرصت‌ها و چالش‌های موجود و با توجه به پتانسیل‌های قدرت خود می‌کوشد قدرت خود را در بُعد سخت و نرم و همچنین قدرت هوشمند افزایش دهد تا بتواند هرچه بیشتر در منطقه خاورمیانه مؤثر واقع شود. ایران از ظرفیت‌ها، شاخص‌ها و مزایای خاص ژئوپلیتیک در قدرت هوشمند برخوردار است که بر پایه نظریه سازه‌نگاری ارزش‌ها، هویت‌ها و مسائل فرهنگی و اعتقادی مهم‌ترین معیارهای قدرت هوشمند ایران محسوب می‌شوند. در این راستا، می‌توان گفت در جنبش‌های خاورمیانه، بحث از این معیارها، بخش جدایی‌ناپذیر چنین تحولاتی به شمار می‌رود. این امر با مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اعتقادی و تمدنی شهروندان خاورمیانه پیوند یافته است و بازتاب آنها را می‌توان در اعتراض‌های کشورهای گوناگون خاورمیانه مورد توجه قرار داد.



کتابنامه

- احمدپور، حسین؛ جعفرپناه، مهدی (۱۳۹۰)، «ریشه‌های کسب قدرت در اسلام»، *ماهنامه روابط فرهنگی*، سال نخست، ش ۴، دی ماه، صص ۳۹-۵۶.
- اخوی، احمد؛ حسینی، میرعبدالله (۱۳۸۵)، «ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادراتی محصولات کشاورزی ایران به اتحادیه اروپا»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، س ۴، ش ۵۴ تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۵-۱۶۰.
- اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ش ۷ و ۸، صص ۱۴۹-۱۹۳.
- امیری، راضیه (۱۳۹۰)، «قدرت هوشمند جمهوری اسلامی و ظرفیت تقابل با دشمن»، قابل دسترسی در: [NSite/Full Story/?Id=2874borhan.irwww](http://NSite/FullStory/?Id=2874borhan.irwww).
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، *قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- ترازنامه انرژی (۱۳۹۲)، «وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی».
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸)، *مقالات تاریخی*، جلد هفتم، جلد پنجم، قم: الهادی.
- جندی، انور (۱۳۷۱)، *اسلام و جهان معاصر*، (حمیدرضا آذیر)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۵۸ و ۵۹، صص ۷۱-۸۸.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳)، «ایران دومین اقتصاد بزرگ خاورمیانه و آسیای مرکزی شناخته شد»، قابل دسترسی در: <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/643377> ۱۳۹۳/بهمن/۱۵
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *بازتاب‌های مفهومی انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل*، تهران: انتشارات مطالعات علمی و فرهنگی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، (منوچهر صبوری)، تهران: سمت.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۸)، «ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایرانی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، اردیبهشت ۱۳۸۸، ش ۱۳۲، صص ۱۴-۱۶.
- عسگرخانی، ابومحمد؛ بابایی، محمود (۱۳۹۱)، «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۲، ش ۴، صص ۱۵۴-۱۷۳.
- فولر، گراهام (۱۳۷۱)، *قبله عالم*، تهران: امیرکبیر.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران؛ عباس‌زاده، هادی (۱۳۹۰)، «قدرتمند هوشمند؛ تحول نوین در عصر جهانی‌شدن»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ۳، ش ۴، زمستان، صص ۱۲۵-۱۵۰.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۱۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳



- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، *روابط بین‌الملل (رویکردها و نظریه‌ها)*، تهران: سمت، چاپ سوم.
- کبریائی‌زاده، حسن (۱۳۹۰)، «قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلاب‌های خاورمیانه»، *ماهنامه روابط فرهنگی*، سال نخست، ش ۴، صص ۸-۱۹.
- کمیسون سیاسی، دفاعی و امنیتی (۱۳۹۳)، «سیاست‌گذاری جمعیتی، الزامات و بایسته‌ها»، *فصلنامه سیاست کلان*، س ۳، ش ۳، بهار، صص ۱۰۷-۱۴۰.
- گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد*، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- متقی، ابراهیم؛ رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، «نقش قدرت نرم در بیداری اسلامی خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، س ۹، ش ۳۳، تابستان، صص ۱۰۱-۱۳۶.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی ج.ا.ایران اصول و مسائل*، چاپ پنجم، نشر: دادگستر.
- مسعودنیا، حسین؛ صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۲)، «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۱، بهار، صص ۹۷-۱۱۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴)، پایگاه‌ها و سامانه‌ها، سری‌های زمانی، انرژی، قابل دسترسی در <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=1>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ ششم، تهران: سمت.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸)؛ تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- موسوی، محمد؛ توتی، حسینعلی؛ موسوی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۲، ش ۳، پاییز، صص ۸۷-۱۱۱.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، (سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- «نواوری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران»، یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در سایت: <http://noorportal.net/129443.aspx/7337>
- هرسیج، حسین (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، س ۱، پیش‌شماره ۳، صص ۱۶۱-۱۳۷.

Halm, Heinz (1997), *Sheia Islam: From Religion to Revolution*, Translated from german by Allison Brown, Princeton: Markus Wiener Publishers.

Hughes, Michael (24 July 2010), "India Too Complacent about Pakistan Complicity in Mumbai Attacks", *Huffington Post*, July 20, Varghese George, Rarely at Home, Hindustan Times.

Kupchan Charles (1998), "After Pax Americana: Benign Power, Regional Integration, and the Sources of a Stable Multipolarity", *International Security*, Vol. 23, Pp 40-79.

Nossel, Suzanne (2004), "Smart power", *Foreign Affairs*, March/ April.

Nye, Joseph (2010), "The future of American power", *Foreign Affairs*, Vol. 89, No 6, November/ December.

Taylor, Peter. J & flint, Colin (2000), *political Geography*, London: Sage publication.

Wilson, Ernest. J. (2008), "Hard power, soft power, smart power", *The Annals of the American Academy of political and social science*, The American Academy of political and social science, March.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

ربیعی، حسین (۱۳۹۳)، «تبیین شاخص‌های ژئوپلتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۳، پاییز، ص ص ۸۹ - ۱۱۲.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام